

Discourse formation of the political issue in the parties of Iraqi Kurdistan region

Omid Ghaderzadeh ^{1*}
Zmnako Ali Mohammad ²

Received on: 31/05/2021
Accepted on: 13/09/2021

Abstract

The political order in Iraqi Kurdistan is tied to political parties. In this study, we have tried to analyze the political order in the Kurdish region of Iraq through the theory of analysis of the discourse of Laclau and Mufa. The basic idea was based on the principle that political order in the Kurdistan region constructs political subjects in a discursive manner. The most important actors in this arena are the discourse of political parties, each with its own kind of political order and political discourse. In this regard, we examined the discourse of the four main parties. The data studied included party statutes, speeches and quotes of party leaders, which were analyzed using the method of analysis of Laclau and Mouffe's discourse. The data analysis led us to four political discourses, which include the discourse of Kurdistan Independence (Kurdistan Democratic Party), the discourse of Democratic Kurdistan (Patriotic Union of Kurdistan), the discourse of legitimate Kurdistan (change movement) and the national-religious discourse (Kurdistan Islamic Union).

Keywords: Iraqi Kurdistan Climate, Political Order, Discourse Analysis, Kurdish Parties.

1*. Associate Professor of Political Sciences, University of Kurdistan and Researcher at the Kurdistan Studies Research Institute. (Corresponding Author: o.ghaderzadeh@uok.ac.ir)
2 . Master of Sociology, University of Kurdistan. (Email: zmnako73@yahoo.com)

صورت‌بندی گفتمانی امر سیاسی در احزاب اقلیم کردستان عراق

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

امید قادر زاده^{*۱}

زمناکو علی محمد^۲

چکیده

نظم سیاسی در اقلیم کردستان عراق با احزاب سیاسی گره خورده است. در این پژوهش بر آن بوده‌ایم تا نظم سیاسی حاکم بر اقلیم کردستان عراق را به میانجی نظریه تحلیل گفتمان لکلانو و موفه مورد واکاوی قرار دهیم. ایده‌ی اساسی بر این اصل استوار بود که نظم سیاسی در اقلیم کردستان به گونه‌ای گفتمانی سوژه‌های سیاسی را برساخت می‌کند. مهم‌ترین بازیگران این میدان گفتمانی احزاب سیاسی هستند که هرکدام نوعی از نظم سیاسی و گفتمان سیاسی مختص به خود را دارند. در این راستا به واکاوی گفتمان چهار حزب اصلی پرداختیم. داده‌های مورد بررسی شامل اساسنامه‌های احزاب، سخنرانی‌ها و نقل‌قول‌های رهبران احزاب بوده است که به مدد روش تحلیل گفتمان لکلانو و موفه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. تحلیل داده‌ها ما را به چهار گفتمان سیاسی رساند که شامل گفتمان استقلال کردستان (حزب دموکرات کردستان)، گفتمان کردستان دموکراتیک (اتحادیه میهنی کردستان)، گفتمان کردستان قانون‌مند (جنبش تغییر) و گفتمان ملی- مذهبی (اتحاد اسلامی کردستان) می‌باشند.

واژگان کلیدی: اقلیم کردستان عراق، نظم سیاسی، تحلیل گفتمان، احزاب کردستانی.

.....
(صفحه ۵۴-۲۹)

۱. دانشیار جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه کردستان و پژوهشگر پژوهشکده کردستان‌شناسی

(نویسنده مسئول: o.ghaderzadeh@uok.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان (zmnako73@yahoo.com)

مقدمه

گردستان عراق از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ و پس از سقوط رژیم تک حزبی بعث عراق، نوعی حکومت خودمختار منطقه‌ای را تجربه کرده است. هر چند برخی از احزاب سیاسی از حکومت اقلیم گردستان قدمت بیش‌تری دارند ولی با شکل‌گیری حکومت خودمختار منطقه‌ای، جنبش‌ها و احزاب سیاسی جدیدی در این منطقه شکل گرفته‌اند و نظم سیاسی در اقلیم گردستان عراق به میانجی احزاب سیاسی بر ساخت می‌شود. پژوهش حاضر به دنبال آن است تا نظم سیاسی حاکم بر اقلیم گردستان عراق را به مدد نظریه‌ی گفتمان لکلانو و موفه مورد واکاوی قرار دهد. سیاست ناظر بر مجموعه‌ای از کردارها و نهادهایی است که به میانجی آن نظم خلق می‌شود و همزیستی انسان را در بستر تضادی که به میانجی امر سیاسی فراهم می‌آید، سازمان می‌دهد (موفه، ۱۳۹۱: ۹). هر نظمی سیاسی است و مبتنی بر شکلی از طرد و بیرون راندن است. همواره امکان‌ها و احتمال‌های دیگری وجود دارد که سرکوب شده‌اند و می‌توانند از نو فعال شوند. هر نظم هژمونیک می‌تواند از سوی کردارهای ضد هژمونیک به چالش کشیده شود (موفه، ۱۳۹۱: ۲۵).

تجربه‌ی کنش‌ورزی سیاسی در اقلیم گردستان نشان از ناپایداری سیاسی و متبلور شدن تخصصات سیاسی و ناهمسویی جهت‌گیری‌های سیاسی در بین احزاب مسلط سیاسی در لحظات حساس بوده است. از این‌رو، ائتلاف احزاب سیاسی بر سر تشکیل حکومت اقلیم گردستان با فراز و نشیب‌های متعددی همراه بوده و عمدتاً ماهیتی شکننده داشته است؛ به‌گونه‌ای که پس از گذشت ۲ سال از شکل‌گیری حکومت (۱۹۹۲)، نبردی خونین بین دو حزب «اتحادیه میهنی» و «حزب دموکرات گردستان» که از آن به‌عنوان «جنگ برادرکشی» یاد می‌شود، شکل گرفت و با پا درمیانی مراجع اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی در سال ۱۹۹۶ به پایان رسید.

از آن دوره تا به امروز نوعی سیستم دو اداره‌ای بر اقلیم گردستان میان حوزه‌ی سبز به‌عنوان قلمروی اتحادیه میهنی و حوزه‌ی زرد به‌عنوان قلمروی حزب دموکرات، برقرار است. نتایج انتخابات پارلمانی گردستان عراق در سال ۲۰۱۸ نشان از تداوم قطبی‌شدن فضای سیاسی حاکم بر اقلیم گردستان دارد. برای نمونه، علی‌رغم رقابت ۷ حزب سیاسی، سهم ۵ حزب مخالف در پارلمان ناچیز است. علاوه بر این، در استان دهوک و اربیل که تحت سیطره‌ی «حزب دموکرات گردستان» است، ۶ حزب دیگر به ترتیب حائز ۱ و ۷ کرسی و به همین ترتیب، در استان سلیمانیه که تحت سیطره‌ی

«اتحادیه‌ی میهنی» است، «حزب دموکرات» تنها ۲ کرسی را کسب نمود. در انتخابات اخیر پارلمان عراق (۲۰۲۱) که با زوال مشارکت سیاسی در سطح عراق و اقلیم کردستان همراه بود، پایین‌ترین نرخ مشارکت سیاسی مربوط به بغداد و شهر سلیمانیه در کردستان عراق بود و کاهش گسترده‌ی مشارکت مردم در انتخابات، زنگ‌های خطر را برای دو حزب سیاسی و نظامی حاکم در اقلیم کردستان به صدا درآورده است. پیروزی «حزب دموکرات» در انتخابات پارلمان عراق نه به دلیل افزایش مقبولیت مردمی آن‌که مرهون ضعیف‌تر شدن هر چه بیشتر رقابش یعنی «اتحادیه‌ی میهنی» و «جنبش تغییر» است. سیاست در اقلیم کردستان، همیشه درگیر تمایز مخرب ما/آن‌ها در قالب دوست/دشمن یا به تعبیر ساده‌تر خودی/غیرخودی بوده است. در این درک از سیاست، به جای رقابت، منازعات شکل پیکار میان خیر و شر به خود گرفته است. فارغ از این‌که مبنای این شیوه از سیاست ورزی چه باشد، کنش‌ورزی سیاسی در اقلیم کردستان ماهیت اخلاقی به خود گرفته است. «رویداد این روزها، پدیدار گشتن امر سیاسی در قاموس اخلاقی است. به بیان دیگر، امر سیاسی هنوز بر تمایز ما/آن‌ها استوار است، اما ما/آن‌ها به جای اینکه به مثابه مقوله‌های سیاسی تعریف شود، بر واژگان اخلاقی استوار گشته است. به جای منازعه بین راست و چپ، با منازعه بین حق و باطل مواجه گشته‌ایم» (موفه، ۱۳۹۲: ۵).

ایده‌ی اساسی پژوهش حاضر بر این اصل استوار است که امر سیاسی در اقلیم کردستان به گونه‌ای گفتمانی، سوژه‌های سیاسی را برساخت می‌کند. مهم‌ترین بازیگران این میدان گفتمانی احزاب اقلیم کردستان عراق هستند که هرکدام نوعی از نظم سیاسی و گفتمان سیاسی مختص به خود را دارند. احزاب سیاسی دال تازه‌ای را وارد فضای گفتمان‌های سیاسی اقلیم کردستان عراق نموده‌اند. تحلیل گفتمانی مناسبات میان دال‌های اصلی این گفتمان نوظهور در نزد احزاب سیاسی گامی اساسی در شناسایی فضای سیاسی و منازعات و چالش‌های اجتماعی و سیاسی پیشروی اقلیم کردستان عراق است. با بررسی رویه‌های رقیب نسبت‌دادن محتوا به دال‌های سیال می‌توان نزاع‌های موجود در ساحت فضای سیاسی احزاب اقلیم کردستان را شناسایی نمود. در این راستا به واکاوی گفتمان چهار حزب اصلی در اقلیم کردستان یعنی «اتحادیه‌ی میهنی»، «حزب دموکرات»، «جنبش تغییر» و «اتحاد اسلامی کردستان» پرداخته می‌شود.

الف - مرور پیشینه تحقیق

نیک‌فر و دیگران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تأثیر اختلافات داخلی در میان احزاب کرد بر

ناکامی استقلال گُردستان عراق» به واکاوی این موضوع می‌پردازد که به‌رغم برگزاری همه‌پرسی استقلال در اقلیم گُردستان عراق و کسب اکثریت رأی مثبت برای آن، مهم‌ترین دلیل ناکامی استقلال‌طلبی گُردها چه بوده است؟ نتایج گویای آن است که با توجه به ساختار نامتعادل قدرت در اقلیم گُردستان، اختلافات داخلی احزاب و عدم هماهنگی بین آن‌ها، مهم‌ترین دلیل ناکامی استقلال‌طلبی گُردهای گُردستان عراق است (نیک‌فر و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۷).

جلایی‌پور و حسن (۱۳۹۶) در چارچوب روش‌شناسی کیفی و با استفاده از روش نظریه‌مبنایی به بررسی جایگاه احزاب سیاسی اقلیم گُردستان در روند توسعه سیاسی پرداخته است. بر مبنای نتایج حاصل از مصاحبه با تعدادی از نمایندگان مجلس، اعضای دفتر سیاسی و شورای مرکزی احزاب قدرتمند اقلیم گُردستان و تعدادی از روشنفکران، در گُردستان عراق دو حزب اصلی «دموکرات گُردستان» و «اتحادیه‌ی میهنی» از موقعیت هژمونیک برخوردار هستند. اگر چه احزاب اصلی از سال ۱۹۹۱، مقدمات توسعه سیاسی را در گُردستان فراهم ساخته‌اند، اما به دلیل فقدان کارایی اپوزیسیون، سیطره‌ی مناسبات عشیره‌ای، انحصار و انسداد منابع قدرت در میان دو حزب اصلی، فساد سیاسی و اقتصادی در کادر اصلی احزاب، انشقاق اجتماعی بر حول تنوع‌گوش و زبان، مذهب و عشیره و خاستگاه ملی، نظامی‌گری، برخورداری هر حزب از نیروی نظامی وفادار به آرمان‌های حزبی که کارکرد اصلی آن فشار و ارباب‌مخالفان است و به جهت نوپا بودن نهادهای حوزه‌ی مدنی، توسعه سیاسی در گُردستان عراق مختل گشته است (جلایی‌پور و حسن، ۱۳۹۶: ۶۹).

استنفیلد (۲۰۱۰) در کتاب «گُردستان عراق: توسعه سیاسی و دموکراسی نوپا»، به بررسی توسعه نظام سیاسی گُردی از سال ۱۹۹۱ پرداخته است. به باور نویسنده، منازعات درونی، مداخله نظامی قدرت‌های منطقه و میراث برجای مانده از رژیم بعث این تجربه دموکراتیک را با تهدید جدی مواجه ساخته است و روابط پرتنش و مشکل‌زا بین دو قدرت مسلط «حزب دموکرات» و «اتحادیه‌ی میهنی» و نوع روابط آن‌ها با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و حکومت منطقه‌ای گُردستان به منظور فهم سیاست دولت گُردی و عملکرد آن ضرورت دارد و سیاست گُردی هنوز تحت سیطره‌ی علایق و منافع تنگ‌نظرانه‌ی رهبران جنبش گُردی قرار دارد (Stansfield, 2010: 183).

عبدالله و حمه (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با ماهیت نظام سیاسی در اقلیم گُردستان عراق ضمن اشاره به سیستم چند حزبی اقلیم گُردستان عراق، ماهیت احزاب سیاسی گُردستان را به شدت با موقعیت گُردها در عراق مرتبط می‌داند. از اواسط قرن بیستم، حزب سیاسی گُرد غالب در عراق حزب دموکرات

کردستان بود. در یک انشعاب پارتیزانی، اتحادیه‌ی میهنی کردستان متولد شد. علاوه بر این، در سه دهه‌ی اخیر احزاب سیاسی دیگری به وجود آمدند که همگی بر مختصات نظام سیاسی کردستان عراق تأثیرگذار بوده‌اند. استدلال اصلی مقاله این است که کردستان عراق در بسیاری از ویژگی‌های احزاب سیاسی اصلی خود از جمله تکیه بر رهبری کاریزماتیک، تمرکز بر ملی‌گرایی و عدم شفافیت مشترک است. مختصات اولیه احزاب سیاسی کرد و تأثیر آن‌ها بر کارکردهای نهادی نظام سیاسی در اقلیم کردستان، بحران سیستم را در تداوم بخشیده است (Abdullah and Hama, 2019, Vol:5:315).

ب- مبانی نظری و روش

۱- سازه‌های نظری و مفهومی

لکلائو و موفه در کتاب «هژمونی و استراتژی سوسیالیستی» بر این باورند که سیاست / امر سیاسی دارای اولویت، تعیین‌کنندگی و تقدم هستی‌شناختی است. این بدین معناست که سیاست از نظر آن‌ها نه امری سطحی و بازتاب واقعیت‌های اجتماعی، بلکه فرایند تأسیس امر اجتماعی است. به تعبیر دیگر، شاکله و صورت‌بندی سازمان اجتماعی محصول فرایندهای سیاسی است. درون این کشمکش گفتمانی، امر اجتماعی خصلتی پیشامدی خواهد یافت؛ اما چون به وسیله‌ی قدرت مداخله‌گر، جهان اجتماعی ساخت می‌یابد، تبدیل به نوعی عینیت گردیده و ثابت، طبیعی و بدیهی جلوه می‌کند. این عینیت در واقع همان گفتمان رسوب‌یافته در کُنه حیات اجتماعی است. تبدیل آنتاگونیسم سیاسی به عینیت به‌میانجی مداخلات هژمونیک صورت می‌پذیرد، چرا که هژمونی دقیقاً فی‌مابین سیاست و عینیت قرار می‌گیرد. در مقام ایضاح، امر هژمونیک عرصه‌ی نزاع امر سیاسی و عینیت است. امر سیاسی به مرور زمان از سوی منطق تثبیت‌گر هژمونی تبدیل به عینیت می‌شود و نیز به همین ترتیب، امر عینی این امکان را دارد که مجدداً به کانون ستیز امر سیاسی بازگردد (لکلائو و موفه، ۱۳۹۳: ۳۱).

لکلائو و موفه استدلال می‌کنند که امر اجتماعی و سیاسی را نباید به صورت یک کلیت و تمامیت در نظر گرفت، بلکه امر اجتماعی و سیاسی یک مجموعه از عناصری است که به صورت اتفاقی در کنار هم مفصل‌بندی شده‌اند. امر اجتماعی بیشتر متضمن نقاط متکثر قدرت و ضدیت است تا اینکه به صورت منسجم حول منازعه طبقاتی - آنگونه که مارکسیسم ادعا می‌کند - باشد؛ عرصه پیچیده اشکال متعدد قدرت، سلطه و ضدیت را نمی‌توان به یکی از تعارضات اجتماعی و سیاسی فروکاست.

به‌طوری کلی در نظریه گفتمان لکلاو و موفه، تغییر و تحول گفتمانی در اثر ضدیت و تنازع گفتمانی بین گفتمان‌ها در میدان گفتمانی رخ می‌دهد. چون اولاً، گفتمان ماهیتی تکوین دهنده و قوام‌بخش دارد؛ ثانیاً، از آنجا که هیچ‌چیزی خارج و ورای گفتمان وجود ندارد امر اجتماعی و سیاسی نیز گفتمانی هستند. ثالثاً، رابطه وثیقی بین قدرت و گفتمان و پیرو آن بین روابط قدرت زمینه‌ای و مفصل‌بندی‌های گفتمانی وجود دارد. در این نظریه، گفتمان ناشی از مفصل‌بندی جدید است. چراکه گفتمان یک کلیت ساختارمند و سازمان‌یافته‌ی ناشی از مفصل‌بندی است. یک نظام موجودیت‌ها و هویت‌های افتراقی و تفاضلی عینیت اجتماعی را از میان امکان‌های بی‌نهایت قوام و سازمان می‌دهد. این میدان عبارت است از عرصه گفتمانی. افقی تکوینی و قوام‌بخش از بودن که در قالب آن گفتمان‌های مشخص مفصل‌بندی می‌شوند. عینیت اجتماعی یک امر گفتمانی است که بر مفصل‌بندی‌های انضمامی‌ای مبتنی است که ضرورت دارند. عینیت اجتماعی یک امر سیاسی است. به‌گونه‌ای که امر سیاسی نسبت به امر اجتماعی پیشینی است. چون امر اجتماعی همیشه از قبل به صورت سیاسی نهادی شده و حاصل تصمیم‌های سیاسی پیشین است. از این‌رو، تغییر گفتمانی اتفاقی است ولی اختیاری و دلخواهانه نیست. چون ارتباط نزدیکی بین قدرت و گفتمان وجود دارد. به طوری که گفتمان وابسته به روابط قدرت زمینه‌ای‌ای است که بعضی از مفصل‌بندی‌ها را ممکن و محتمل‌تر و برخی دیگر را ناممکن و نامحتمل‌تر می‌سازد (لکلاو و موفه، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

امر سیاسی نمی‌تواند همیشه به‌مثابه یک امر ثابت باقی بماند، بلکه امر سیاسی همیشه امری سیال است و وقتی ثابت می‌شود که به امری اجتماعی تبدیل شود. با مداخلات هژمونیک امر سیاسی به امر اجتماعی تغییر و تبدیل یافته و عینیت می‌یابد. عینیت محصول تاریخی کار و نزاع‌های سیاسی است، در نتیجه مرز میان عینیت و امری سیاسی مرزی سیال و تاریخی است. صورت‌بندی‌های جدید اقتصادی و اجتماعی به سوژه‌های جدید بستگی دارند. وقتی می‌گوییم که امر سیاسی به واسطه مداخلات هژمونیک به امری اجتماعی تغییر پیدا می‌کند ممکن است این امر در احزاب سیاسی به واسطه موقعیت خودشان و از طریق گفتمان‌هایشان امر سیاسی را به امر اجتماعی تغییر دهد.

۲- روش‌شناسی تحقیق

به تاسی از لکلاو و موفه در تحلیل گفتمان، نظریه و روش به یکدیگر پیوند خورده‌اند (پورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۱). از دید لکلاو و موفه، هویت‌ها برساخته‌ی مفصل‌بندی‌های هژمونیک هستند.

آن‌ها مفاهیمی از قبیل مفصل‌بندی، نقاط محوری، عنصر، حوزه‌ی گفتمان‌گونگی، دال‌های سیال و وقته‌ها را این‌گونه ترکیب‌بندی می‌کنند: «مفصل‌بندی را به هر کرداری اطلاق می‌کنیم که میان عناصر [مختلف] رابطه‌ای ایجاد می‌کند که طی آن، هویت آن‌ها در نتیجه‌ی این کردار مفصل‌بندی تغییر می‌کند. کلیتی را که در نتیجه‌ی کردار مفصل‌بندی حاصل می‌شود گفتمان می‌نامیم» (لکلائو و موفه، ۱۳۹۳: ۱۷۱). می‌توان این‌گونه نظریه‌ی لکلائو و موفه را صورت‌بندی نمود که نیروهای اجتماعی متخاصم با مفصل‌بندی عناصر، دال‌ها و وقته‌ها، حول یک گره‌گاه (دال مرکزی)، یک گفتمان را تشکیل می‌دهند. در هر جامعه‌ای معمولاً یکی از گفتمان‌ها از طریق تثبیت دال‌های شناور و غایب و همچنین قابلیت در دسترس بودن و اعتبار، دیگر گفتمان‌های موجود را به حاشیه می‌راند و خصالتی هژمونیک می‌یابد؛ اما این استیلای هژمونیک دائمی نیست و گفتمان‌ها همواره در حال نزاع بیرونی با سایر گفتمان‌ها و بازتولید درونی هستند. لکلائو و موفه مفهوم «بی‌قراری» یا ازجاکنندگی را برای بحران‌ها و حوادثی مطرح کردند که هژمونی گفتمان‌ها را به چالش می‌کشد (کسرابی و شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۶). تفوق گفتمان و بازیابی استیلای هژمونیک گفتمان، مستلزم رفع و غلبه بر این بی‌قراری‌هاست. در این روش، مواد خام تجربی و اطلاعات به مثابه اشکال گفتمانی در نظر گرفته شده و چگونگی برساخت گفتمانی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این معنا که طیف وسیعی از داده‌های زبان‌شناختی و غیرزبان‌شناختی (مکالمات، گزارش‌ها، حوادث تاریخی، سیاست‌ها، ایده‌ها و حتی سازمان‌ها و نهادها) را به مثابه کردارهای دلالت‌گر در نظر می‌گیرد که به یک گفتمان و واقعیت شکل می‌دهند. در این نوع تحلیل گفتمان، با استفاده از داده‌های متنی، پژوهشگر درصدد پاسخگویی به چهار سؤال اساسی برمی‌آید که اساس روش پژوهش حاضر نیز همین است: «چگونگی سازمان اجتماعی معنا؛ چگونگی پیوند و ترکیب معانی در زنجیره‌ی هم‌ارزی؛ چگونگی بازنمایی دیگری‌ها؛ و خطوط تضاد، دال‌های شناور، آنتاگونیسم و هژمونی» (خالق‌پناه و حبیبی، ۱۳۹۳: ۳۲۸-۳۲۶).

نظریه‌ی گفتمان از ما می‌خواهد که بر ظرفیت‌های یک بیان خاص به منزله‌ی مفصل‌بندی متمرکز شویم: این بیان با قراردادن عناصر در یک رابطه‌ی خاص با عناصر دیگر چه معنایی را ایجاد و چه معناهای بالقوه‌ای را طرد می‌کند؟ (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۵: ۶۲). پاسخ به این پرسش‌ها در گرو شناسایی گره‌گاه‌هاست. وقتی نشانه‌هایی را که گره‌گاه‌اند، شناسایی گردید، می‌توان بررسی نمود که دیگر گفتمان‌ها چگونه این نشانه‌ها (دال‌های سیال) را تعریف می‌کنند؛ و با بررسی رویه‌های رقیب نسبت‌دادن محتوا به دال‌های سیال می‌توان نزاع‌های موجود در ساحت فضای سیاسی (در این‌جا

احزاب اقلیم کردستان) را شناسایی نمود.

در چارچوب تحلیل گفتمان، گام اول در تحلیل سیاسی، شناسایی حداقل دو گفتمان متخاصم است که با یکدیگر منازعه و سرستیز دارند. هویت‌یابی گفتمان‌ها همواره به میانجی دشمن صورت می‌پذیرد و بر مبنای آن نظام معنایی خود را صورتبندی و پی‌ریزی می‌نمایند. براین اساس، فهم نظام معنایی یک گفتمان منوط به شناخت و واکاوی نظام معنایی گفتمان‌های رقیب است، باید مقطع زمانی و موقعیت مکانی گفتمان‌های مورد نظر را نیز تعیین کرد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۵۷).

در فضای سیاسی اقلیم کردستان عراق، احزاب سیاسی عدیده‌ای با گرایش‌های سیاسی و پایگاه‌های مختلف اجتماعی فعالیت کرده در ساخت فضای سیاسی این اقلیم نقش اساسی ایفا می‌کنند و هر یک از این احزاب گفتمان سیاسی مختص به خود را دارند. در این میان می‌توان به احزاب دموکرات کردستان، حزب اتحادیه‌ی میهنی، جنبش تغییر و اتحاد اسلامی اشاره نمود. این پژوهش به میانجی تحلیل متن‌ها و نوشتار حزبی، بیانیه‌های سیاسی احزاب، دستورالعمل‌ها و اسناد سیاسی و سایت‌های رسمی احزاب مذکور سعی در کاوش گفتمان آنها را دارد.

پ- تحلیل داده‌های تحقیق

۱- حزب دموکرات کردستان: گفتمان کردستان مستقل

حزب دموکرات، به عنوان قدیمی‌ترین حزب اقلیم کردستان، در ۱۶ آگوست ۱۹۴۶ به رهبری ملا مصطفی بارزانی تأسیس شد. این حزب اوایل با نام حزب دموکرات کرد فعالیت می‌کرد ولی در کنگره سوم در سال ۱۹۵۳ نامش به حزب دموکرات کردستان تغییر کرد.

حزب دموکرات کردستان در معرفی خود به دموکراسی و عدالت اجتماعی به عنوان بنیان‌های اساسی ارجاع می‌دهد. در ماده یک از برنامه سیاسی حزب دموکرات کردستان آمده است: «حزب دموکرات حزب پیشرو مردمی است که بر پایه حقوق انسان‌ها و به واقعیت تبدیل کردن عدالت اجتماعی و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها باور دارد و در کنار روشنایی تاریخی ملت کرد و تجربه جنبش آزادیخواه و آداب و رسوم ملی و مبارزات ملا مصطفی بارزانی مبارزه می‌کند و از تجربه ملت‌های دیگر به گونه‌ای که با واقعیات کردستان مطابقت داشته باشد بهره می‌برد» (برنامه داخلی حزب، ۲۰۰۵: ۲). گفتمان سیاسی حزب دموکرات کردستان به موجب این ماده با دال مرکزی «کردستان» اعلام

موجودیت می‌کند. در بخش پایانی این ماده وفق‌پذیری با واقعیت کردستان را به‌عنوان شرط اصلی پذیرش تجارب سیاسی پیشین اعلام می‌کند که نشان از جایگاه محوری کردستان در ادبیات سیاسی این حزب دارد و خود را به‌عنوان حزب دموکراتیک وطنی معرفی می‌کند.

این تغییر نشان از برجسته‌سازی مفهوم وطن/میهن/کردستان در ادبیات سیاسی این حزب دارد. علاوه بر این، به موجب ماده‌ی مذکور، دال‌های «تاریخ ملی کرد» و «ملا مصطفی بارزانی» حول این دال مرکزی مفصل‌بندی شده است. در ادامه دال‌های «ملی‌گرایی»، «دموکراسی» و «تکثر حزبی» نیز در گفتمان مذکور مفصل‌بندی می‌شوند. در ماده سوم از برنامه سیاسی حزب دموکرات، دال‌های ملی‌گرایی و تکثر حزبی برجسته می‌شوند: «ترویج استحکام روابط برادرانه و حمایت و همکاری با تمام احزاب و مؤسسات دموکرات و صلح‌جویانه و مرفقی کردی تا به شیوه‌ای صلح‌جویانه اهداف برحق ملی ملت کرد محقق شده و فرهنگ دیالوگ و بخشش در کردستان گسترش پیدا کرده و توسل به خشونت حرام گردد» (برنامه داخلی حزب، ۲۰۱۰: ۹).

عدالت‌خواهی و حق تعیین سرنوشت برای کردستان مهم‌ترین معنایی است که به واسطه‌ی این گفتمان منتقل می‌شود. بعدها در ادبیات سیاسی حزب، حق تعیین سرنوشت که پیش‌تر با خودمختاری در چهارچوب عراق فدرال معنا می‌یافت به استقلال تغییر یافت. بعد از تغییر وضعیت منطقه و سقوط رژیم صدام و جنگ داعش و رونق قدرت اقتصادی و سیاسی کردستان در سال ۲۰۱۶، خواست سیاسی حزب دموکرات به رهبری مسعود بارزانی به استقلال تغییر پیدا نمود و بر این اساس بود که فرماندوم استقلال برگزار گردید. سیر تحول معنایی در این گفتمان از خودمختاری در چارچوب عراق فدرال به استقلال سیاسی تحولاتی را از سر گذرانده است که لزوماً مبتنی بر پلتفرم سیاسی این حزب نبوده است و نقش رهبران سیاسی در تعیین سیاست‌های حزبی خودنمایی می‌کند.

مفصل‌بندی این حزب بر اسطوره‌ی بارزانی استوار است و اعضای حزب که در تأسیس حزب نقشی اساسی ایفا کرده‌اند در مفصل‌بندی این گفتمان به حاشیه رانده شده و به نوعی به حوزه گفتمان‌گونی منتقل می‌شود و ملا مصطفی بارزانی به عنوان پدر معنوی کرد معرفی شده است.

چنین اظهاراتی در راستای برجسته‌سازی عشیره‌ی بارزانی به عنوان منبع مشروعیت و اسطوره‌ی گفتمان است. مفصل‌بندی گفتمان حزب دموکرات کردستان بیشتر از آنکه عدالت اجتماعی و آزادی‌خواهی را به عنوان معنای اصلی تثبیت کند، تلاشی بی‌وقفه در جهت به سرانجام رساندن مبارزات ملا مصطفی بارزانی و تحقق رؤیای استقلال کردستان بوده است؛ بنابراین این گفتمان را

می‌توان گفت‌مان گُردستان مستقل نام‌گذاری کرد که مشروعیت را از مبارزات ملامصطفی و خاندان بارزانی کسب می‌کند. دیگری خارجی این گفت‌مان در وهله‌ی اول حکومت مرکزی عراق است و در وهله‌ی دوم تمام جریانات و کشورهایی است که حق تعیین سرنوشت و استقلال گُردستان را به رسمیت نمی‌شناسند؛ اما تحولاتی که در نتیجه‌ی مفصل‌بندی گفت‌مان سیاسی حزب دموکرات روی داد در نهایت این گفت‌مان را با بحران و بی‌قراری مواجه کرد. ناتوانی در تحقق استقلال سیاسی منجر به انسداد معنایی در این گفت‌مان گردید. این وضعیت از یک‌سو، با تضعیف هژمونی گفت‌مان مسلط، امکان پیدایش گفت‌مان‌ها و مفصل‌بندی‌های جدیدی را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، گفت‌مان حاکم را ترغیب می‌کند تا خود را بازسازی کند و از تزلزل‌های معانی و بی‌قراری جلوگیری کند.

بعد از توافق الجزائر بین ایران، عراق و ترکیه، انقلاب ایلول^۱ پایان می‌یابد. نقطه پایان این توافق به منازعه‌ای بین آن‌ها تبدیل می‌شود که دموکرات از آن به سقوط و اتحادیه میهنی گُردستان هم به بی‌ثمر ماندن یاد می‌کنند. قبل از سال ۱۹۹۰ موضوعات مربوط به کرکوک، حق تعیین سرنوشت و سیستم حکمرانی به دایره منازعه بین این دو حزب تبدیل می‌شود. برای نمونه، جلال طالبانی در مورد کرکوک می‌گوید: «کرکوک قدس گُردستان است». این اصطلاح به ادبیاتی برای اتحادیه میهنی تبدیل می‌شود ولی مسعود بارزانی در دیداری می‌گوید: «کرکوک قدس نیست و تفاوت زیادی دارد ولی هیچ کُردی نیست که از کرکوک دست بردارد» (بارزانی، ۲۰۱۴: ۲۵). بر خلاف نظر جلال طالبانی در خصوص گنج‌نامه شدن احقاق تمام حقوق و ملت کُرد در قانون جدید عراق و ضرورت محافظت از آن، مسعود بارزانی در خصوص قانون جدید عراق بر این باور است: «مشخص است که قانون تازه عراق تمام خواسته‌های ما را برآورد نخواهد کرد ولی در کل قانونی مناسب است». جلال طالبانی در مورد استقلال گُردستان می‌گوید: «دولت کُردی خوابی شاعرانه است». مسعود بارزانی در مورد استقلال گُردستان چنین اظهار نظر می‌کند: «این حق کُردهاست و بایستی هر ملتی از استقلال بهره‌مند شود و من این را خواب گونه تعبیر نمی‌کنم» (بارزانی، ۲۰۱۴: ۸۴).

بنابراین، در اینجا مشخص است که نزاعی گفت‌مانی بین حزب دموکرات گُردستان و حزب اتحادیه میهنی شکل گرفته است و هژمونی حزب دموکرات با چالش مواجه شده است. پس از انقلاب ایلول و حاکم شدن وضعیتی تازه، تعداد دیگری از احزاب شکل گرفتند که یکی از آنها حزب اتحاد اسلامی

.....
۱. انقلاب ایلول، اولین جنگ کُردها با حکومت عراق، جنگی بود که در ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۱ در میان کُردهای عراق به رهبری ملامصطفی بارزانی با حکومت وقت عراق به رهبری عبدالکریم قاسم در گرفت که تا سال ۱۹۷۰ به طول انجامید.

کردستان بود که در سال ۱۹۹۴ اعلام موجودیت کرده و در مرزهای حاکمیت حزب دموکرات به طرز چشمگیری پیشرفت کرد. حزب اتحاد اسلامی بر خلاف دیگر احزاب، در مناطق اربیل و دهوک هواداران خاص خود را دارد و در انتخابات سال ۲۰۰۵ مجلس عراق، با شعار مبارزه با اختلاس و فساد به صورت مستقل مشارکت خود را اعلام کرد. به همین دلیل، حزب دموکرات به عنوان دیگری به آن می‌نگریست و در مرزهای حاکمیت خود، ده‌ها مقرر و بارگاه اتحاد اسلامی را به آتش کشید. به زعم مسعود بارزانی، ما مسلمان هستیم و این اختیار را به کسی نخواهیم داد که به ما اسلام بیاموزد. مخاطب سخنان یادشده، حزب اتحاد اسلامی بود. خطوط تضاد گفتمان حزب دموکرات با اتحاد اسلامی حول برجسته‌سازی ناکارآمدی سیستم اداری و آلوده شدن آن به فساد صورت‌بندی شده است. مواردی دیگر از جمله برگزاری فراندوم استقلال کردستان و قضایای پس از فراندوم در کرکوک محل منازعه دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی قرار گرفت که در جریان بسیاری از موضع‌گیری‌ها و بیانیه‌ها دو حزب مذکور در برابر یکدیگر قرار گرفته و به نوعی به دیگری داخلی یکدیگر تبدیل شدند. در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ و پس از برگزاری فراندوم کردستان، ارتش عراق به همراه نیروهای حشد الشعبی به مناطق مورد مناقشه لشکرکشی و کنترل این مناطق را در دست گرفت. برخی از مسئولین حزب دموکرات، اتحادیه میهنی را متهم به همکاری نمودند. در یکی از این اظهارنظرها مسرور بارزانی چنین عنوان نمود: «ما به خوبی به سرانجام فراندوم واقف بوده و به همین خاطر دست به انجام آن زدیم... اتفاقات ۱۶ اکتبر بزرگترین خیانت در تاریخ ملت کرد است»^۱.

حزب دموکرات که اتحادیه میهنی را به همدستی با عراق در واگذاری مناطق مورد مناقشه متهم می‌کرد، در نهایت این اقدام اتحادیه میهنی را خیانت به آرمان‌های مردم کرد دانسته و به تندی در برابر آن موضع‌گیری کرد. علاوه بر این، خطوط تضاد گفتمان حزب دموکرات با جنبش تغییر نیز در مسائلی همچون انتقادات جنبش تغییر از فساد اقتصادی و قبضه‌ی قدرت توسط حزب دموکرات مشخص می‌شود. حزب دموکرات در خصوص اتهامات وارده از سوی جنبش تغییر در بیانیه‌ای رسمی و خطاب به انوشیروان مصطفی اینگونه اظهار نظر می‌کند: «با ایجاد آشفتگی و تهمت‌های بی‌بنیاد و برهم‌زدن یکدستی کردستان و تهدیدهایتان تغییر صورت نمی‌پذیرد. همانگونه در گذشته نتوانسته‌اید و به عقده‌ای درونی برای شما تبدیل شده است و در ۱۷ فوریه و ۲۳ ژوئن و ۱۹ آگوست هم برایتان مقدور نبود. مطمئن باشید اکنون نیز نمی‌توانید. به همین دلیل بهترین تغییر آن است که

1 . <https://www.sharpress.net/all-detail.aspx?Jimare=62581>

خودت را تغییر داده و دیگر با آن اندیشه و عقلانیت به سیاست‌ورزی دست نزنی». حزب دموکرات در چنین بیانیه‌هایی جنبش تغییر را به ایجاد تفرقه در بین احزاب کُردستان متهم کرده و کنش سیاسی این حزب و دبیرکل آن را به مسائلی شخصی فرو می‌کاهد و در نهایت مفهوم تغییر در این جنبش را مفهومی ناکارآمد معرفی می‌کند. به گفته‌ی امید خوشناو (۲۰۱۵)، رئیس فراکسیون حزب دموکرات کُردستان، «جنبش تغییر به جای تفکر سیاسی، منطقه‌گرایی را برایمان زنده می‌کند»^۱.

بنابراین، گفتمان حزب دموکرات نزاعی گفتمانی را با جنبش تغییر نیز در پیش می‌گیرد و سعی در بی‌قرار کردن این گفتمان دارد. در نهایت حزب دموکرات هر یک از احزاب اتحادیه میهنی کُردستان، جنبش تغییر و اتحادیه اسلامی را با مفاهیمی همچون «عدم عقلانیت سیاسی»، «احزابی با مسائل شخصی» و... خطاب قرار داده و سعی دارد که سوزدهای این گفتمان‌ها را استیضاح نماید.

به طور کلی معنایی که در نتیجه مفصل‌بندی گفتمان سیاسی حزب دموکرات حاصل می‌شود معنایی است مبتنی بر آینده کُردستان و اطمینان حاصل کردن از قدرت و سلطه. حزب دموکرات از یک طرف با هم‌ارز کردن دال‌هایی همچون عدالت اجتماعی و حق تعیین سرنوشت، سعی در تثبیت معنایی تازه و برجسته کردن گفتمان خود را دارد و از طرفی دیگر با هم‌ارز کردن دال‌های کُردستان، تاریخ ملی کُرد با دال ملامصطفی بارزانی سعی در مشروعیت بخشیدن به موجودیت حزب به عنوان حزبی متعلق به منطقه/خانواده بارزانی دارد.

۲- اتحادیه میهنی کُردستان: گفتمان کُردستان دموکراتیک

اتحادیه میهنی کُردستان، در اوایل ظهور خود به‌مثابه ضرورتی مهم و تاریخی جهت پر کردن خلاء و شکافی که در حین انعقاد تفاهم‌نامه الجزایر و پایان دادن به انقلاب ایلول توسط حزب دموکرات کُردستان ایجاد شده بود، تأسیس شد. به لحاظ گفتمانی تأسیس این حزب پاسخی بود به ناکارآمدی و انسداد معنایی گفتمان حزب دموکرات در جهت تحقق اهداف اعلام‌شده‌ی آن یعنی نوسازی، عدالت و هم‌زیستی. اتحادیه بسیاری از دال‌هایی که به حوزه گفتمان‌گونگی حزب دموکرات کُردستان انتقال یافته بود را به دال‌های اصلی خود بدل کرد و معنایی تازه بدان‌ها بخشید. از این منظر توانست مفهوم ملت، شیوه تفهیم انقلاب، مفهوم آزادی، حزب پیشرو و... را تحت تاثیر ایدئولوژی و اندیشه

1 . http://ml1puk.blogspot.com/2012/01/blog-post_3472.html

مارکسیستی تئوریزه کند و معنایی جدید بر آن‌ها بپوشاند.

اتحادیه در اوایل تأسیس خود اندیشه‌های مارکسیستی را برای معرفی ایدئولوژی خود به کار گرفت ولی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییرات سال ۱۹۹۱ کردستان، اندیشه خود را به سوسیال دموکراسی تغییر داد. در ماده ۲، برنامه سیاسی این حزب چنین آمده است: «اتحادیه میهنی کردستان، حزبی سوسیال دموکرات است که برای حکمرانی صحیح، پایداری صلح، تقویت ارزش‌های آزادی، دموکراسی، هم‌میهنی، حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت مبارزه می‌کند و به فرهنگ برابری و بخشش و با هم زیستن اعتقاد دارد» (برنامه داخلی اتحادیه میهنی، ۲۰۱۸: ۲).

هرچند که اتحادیه بعد از شکست انقلاب ایلول، خود را نماینده آزادیخواهی کرد در سطح کشورهای غاصب کردستان معرفی می‌کند، یعنی در ابتدا معنایی که برمی‌سازد همپوشانی زیادی با گفتمان حزب دموکرات دارد اما در ادامه از مفاهیمی همچون تکثر سیاسی، آزادی سیاسی، تأکید بر حقوق کارگر و کشاورزان و مبارزه با سیاست عشیره‌ای، بر اساس افکار و ایدئولوژی مارکسیستی خوانشی نو ارائه می‌دهد.

به دلیل سیطره‌ی گفتمان سیاسی حزب دموکرات، تأسیس اتحادیه میهنی کردستان مانند گفتمان سیاسی جدیدی قلمداد نشد ولی مانند تشکیلات سیاسی متفاوتی دیده شد که نقش جبهه‌ای متفاوت را ایفا می‌کرد. در اوّلین بیان‌نامه چنین آمده است: «اتحادیه میهنی کردستان در تلاش است که قدرت‌های ملی و دموکرات‌های انقلاب‌گردی همانند اتحادیه میهنی کردستان را تأسیس کند که در آن جنبش‌های آزادیخواه و اتحادیه مبارزان، بتوانند در کنار هم و تحت امر فرماندهی پیشرو انقلابی کردستان زندگی کنند». بر اساس این بیان‌نامه اتحادیه میهنی کردستان، حزب دموکرات را به عنوان گفتمانی عشیره‌ای نام می‌برد و در بخشی از بیان‌نامه چنین آمده است: «تشکیل اتحادیه میهنی کردستان جواب تصمیم مبتنی بر پایان یافتن انقلاب‌گرد است و به همین خاطر از تمام انقلابیون ملت خود خواستاریم که از این تشکیلات جدید حمایت کرده و در راه به دست آوردن اهداف جنبش آزادیخواه ملت‌گرد، به مبارزاتشان ادامه دهند»^۱.

در جلسه‌ای با حضور دانشجویان در تاریخ ۱۹۷۵/۸/۳۰ جلال طالبانی درباره بارزانی چنین اظهار نظر می‌کند: «بارزانی رهبری ملی بود و نه خائن ولی مردی عشیرت‌گرا است و کسی هم منکر این نیست». اگر ادبیات سیاسی اتحادیه میهنی را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که زنجیره هم‌ارزی

1 . http://m11puk.blogspot.com/2012/01/blog-post_3472.html

مهمی را برای این مفاهیم مشخص نموده‌اند که با تأسیس اتحادیه نوعی از ادبیات تازه سیاسی را به میان می‌آورد که مفاهیم آشکار خود را مانند صلح، دموکراسی، حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت، عدالت اجتماعی را در کنار هم قرار داده و هویتی نو به آنها می‌بخشد؛ بنابراین، دال‌های این گفتمان حول دال مرکزی «سوسیال دموکراسی» مفصل‌بندی شده‌اند. به همان میزان که گفتمان استقلال کُردستان بر ملت‌گرد و حق تعیین سرنوشت آنان تأکید می‌کند، اتحادیه میهنی موضعی جهان‌وطنی گرفته اما همچنان حق تعیین سرنوشت را به رسمیت می‌شناسد؛ بنابراین، این گفتمان را باید گفتمان کُردستان دموکراتیک نامید. این گفتمان توانست با خارج کردن دال‌هایی همچون دموکراسی، صلح و مبارزه انقلابی از حوزه گفتمان‌گونگی گفتمان استقلال کُردستان، تقلیل معنایی آنها به بافت کُردستان/بارزان را کنار نهاده و معنایی تازه بدان‌ها بخشیده است. در ماده یک از اساسنامه این حزب در خصوص حوزه فعالیت آمده است: «اقلیم کُردستان، مناطق کردنشین خارج از اقلیم، سایر مناطق عراق فدرال و خارج از کشور». همچنین در ماده ۸ نیز چنین آمده است: «هر هم‌وطن کُردستانی و سایر مناطق عراق فدرال و خارج از کشور که به برنامه سیاسی حزب اعتقاد و التزام داشته باشد می‌تواند عضو شود» (برنامه داخلی اتحادیه میهنی، ۲۰۱۸: ۴).

مسئله مهم در این گفتمان سیر تحول دال مرکزی است. از سال ۱۹۷۵ تا قیام عمومی سال ۱۹۹۱، انقلاب به عنوان دال اصلی این گفتمان باقی می‌ماند؛ اما پس از انقلاب این دال به نوعی تغییر کرده و از انقلاب به سوسیال دموکراسی تبدیل می‌شود. حق تعیین سرنوشت در قالب عراق فدرال تعریف می‌شود و استقلال کُردستان از گفتمان سیاسی این حزب خارج می‌شود. به گونه‌ای که جلال طالبانی می‌گوید: «دولت کُردی خوابی شاعرانه است» (نزار، ۲۰۰۹: ۳۲). همان‌طور که در اولین بیان‌نامه تأسیس اتحادیه میهنی کُردستان در شرح مشخص نمودن وظایف خود آمده است که: «به میان آوردن قدرت ملی دموکرات، ائتلافی که برای تمامی عراق دموکراسی را به ارمغان بیاورد، احقاق حقوق کردها به نوعی که در چارچوب جمهوریت عراق بتواند دموکراسی را به ارمغان بیاورد»^۱.

در خصوص هویت سلبی گفتمان سیاسی اتحادیه میهنی، حزب دموکرات دیگری داخلی این حزب است. در جریان پس از فراندوم و اتهام خیانتی که حزب دموکرات به اتحادیه میهنی زده بود، لاهور شیخ جنگی از مسئولین اتحادیه میهنی اینگونه اظهار نظر کرد: «هرکس اتحادیه میهنی را به خیانت متهم می‌کند، خودش خائن است... اهالی کرکوک به خوبی از مواضع اتحادیه میهنی آگاهند و

1 . http://m11puk.blogspot.com/2012/01/blog-post_3472.html

از رویدادهایی که در این شهر روی داد مطلع هستند و می‌دانند که طرف‌هایی با سوء استفاده از احساسات مردم کرکوک برای تحریک این اهالی علیه اتحادیه میهنی تلاش می‌کنند... ما اگر خائن بودیم این همه شهید نمی‌دادیم».

مشخص است که این اظهارات در پاسخ به اتهامات وارده از سوی حزب دموکرات عنوان شده است. هرچند که ریشه‌ی اختلافات و غیریت‌سازی این دو حزب ماهیت اقتصادی و سیاسی دارد؛ تضاد منافی که عمده‌تأ صبغه‌ی اقتصادی دارد و اتحادیه‌ی میهنی را به سوی ایران و حزب دموکرات را به سوی ترکیه سوق داده است اما به لحاظ سیاسی، نظام اداری اقلیم کردستان را دویاره ساخته و هماهنگی و همگامی آن‌ها را در مواجهه با حکومت مرکزی عراق شکننده کرده است؛ بنابراین، خطوط تضاد اتحادیه میهنی با حزب دموکرات در مواردی همچون خواست حزب دموکرات جهت قبضه قدرت سیاسی می‌باشد.

گفتمان سیاسی اتحادیه میهنی کردستان در واقع در تضاد با اسطوره‌ی گفتمان حزب دموکرات کردستان شکل گرفت. گذار از سیستم تک حزبی به سیستم چند حزبی مهم‌ترین استراتژی این گفتمان بود که صورت‌بندی جدیدی را بر نظم سیاسی اقلیم کردستان حاکم کرد. به دلیل سیطره‌ی ایدئولوژی مارکسیستی و فرم سیاسی سوسیال دموکراسی بر این حزب دال‌هایی همچون عدالت اجتماعی، برابری جنسیتی و مشارکت همگانی و... مفصل‌بندی شدند؛ اما بررسی مفصل‌بندی این گفتمان نشان می‌دهد که «حزب» جایگزین عشیره شده است. همین امر نیز منجر به نوعی از مشارکت غیرفعال شده که در نهایت اطاعت حزبی را جایگزین مشارکت فعال و آگاهانه کرده است. در واقع استدلال بر این است که منافع حزبی در اولویت مشارکت سیاسی قرار دارد و نه منافع عمومی و ملی. به همین دلیل است که انسداد معنایی این گفتمان در نهایت به ظهور گفتمان جنبش تغییر منجر شد.

۳- جنبش تغییر: گفتمان کردستان قانون‌مند

این جنبش در سال ۲۰۰۹ به رهبری نوشیروان مصطفی، یکی از مؤسسين اتحادیه میهنی که از اتحادیه میهنی کردستان جدا شد، شکل گرفت. گفتمان سیاسی جنبش تغییر در ابتدا ماهیتی سلبی و مبتنی بر نفی و انکار دو حزب اصلی اقلیم کردستان داشته است و معنایی که برمی‌سازد تماماً به نزاع با دو گفتمان رقیب برمی‌خیزد. در بخش اول اساسنامه جنبش تغییر درخصوص ماهیت فعالیت این حزب چنین آمده است: «تشکل سیاسی دارای شخصیتی معنوی است که از مجمع خودجوش هم-

وطنانی تشکیل می‌شود که در بیرون از برنامه سیاسی و برنامه داخلی جنبش تغییر در کنار هم جمع شده‌اند» (برنامه داخلی جنبش تغییر، ۲۰۱۳: ۳). در برنامه سیاسی این حزب برابری در برابر قانون و دموکراسی در قالب مفهوم هم‌وطن و شهروندی گُردستان مهم‌ترین هدف است: «هم‌وطنان گُردستان در هر منطقه، ایل و قوم و با هر سن و سال، جنسیت، فکر و عقیده، طبقه اجتماعی و اقتصادی و با هر پیشینه سیاسی که باشند در برابر قانون دارای حقوق یکسانی هستند»^۱.

ظهور این گفتمان با دال مرکزی «قانون ملی» نوعی از عدالت اجتماعی و برابری ملی را نوید می‌دهد که به نوعی در دو گفتمان پیشین نیز حضور داشت، اما به حوزه گفتمان‌گونگی منتقل شده بود. به میانجی مفهوم هم‌وطن خوانشی نو از وطن، حزب سیاسی و عدالت اجتماعی ارائه می‌دهد که مبتنی بر منافع حزبی نیست. در اینجا خطوط تضاد گفتمان‌ها مشخص است و مهم‌ترین امری که معانی این گفتمان‌ها را در تضاد با هم قرار می‌دهند اولویت منافع حزبی بر منافع عمومی است که جنبش تغییر نیز به مبارزه با آن برخاسته است؛ بنابراین این گفتمان را باید گفتمان گُردستان قانون‌مند نامید. معنایی که این حزب بر ساخت می‌کند بر قانون‌مداری و ساری و جاری بودن آن در همه‌ی ساحت‌ها به عنوان مجرای نهادمندی سیاسی و مقابله با شخصی شدن قدرت سیاسی استوار است. این گفتمان، همزمان هم مفهوم گُردستان را بازخوانی کرده و هم آن‌را در بطن قانون معنا می‌بخشد.

جنبش تغییر در برنامه‌های سیاسی خود مجموعه‌ای از دال‌ها مانند ملت‌پروری، آزادی، حق تعیین سرنوشت، استقلال گُردستان، دموکراسی و تکثر حزبی را بر اساس دال مرکزی قانون ملی مفصل‌بندی می‌کند. «گُردستانی بودن هویتی جمعی است و تمام هم‌وطنان ساکن اقلیم گُردستان را از هر طبقه و آیین در بر می‌گیرد. در جنبش تغییر اهداف ملی را از دموکراسی جدا نمی‌کنیم... تأسیس اقلیمی قدرتمند که توان دفاع در برابر تهدیدات بیرونی را داشته باشد با کنار گذاشتن منافع شخصی و بنیاد نهادن دموکراسی شروع می‌شود. چراکه ملت آزاد محصول انسان آزاد است... آزادی ملت گُردستان و حقوق و سرنوشت همراه با تصمیم در مورد استقلال گُردستان، از اهداف والا و استراتژی جنبش تغییر است»^۲.

جنبش تغییر، خطوط تضاد خود را با حزب دموکرات و اتحادیه میهنی به روشنی در مواردی همچون نتایج انتخابات، مسائل مرتبط با کرکوک، فساد مالی و... مشخص کرده است. جنبش تغییر

1 . <https://www.gorran.net/about.aspx?jimare=2>

2 . <https://www.gorran.net/about.aspx?jimare=2>

مدعی وقوع تقلب در انتخابات از جانب حزب دموکرات و اتحادیه میهنی بود.

جنبش تغییر در خصوص مسئله کرکوک و اتفاقات پس از فروردوم هر دو حزب اتحادیه میهنی و دموکرات را به سیاست متضاد و غیرواقعی متهم نمود. در یکی از آخرین بیانیه‌های جنبش تغییر در خصوص وضعیت کرکوک و مناطق مورد مناقشه و خطر وقوع جنگ در اقلیم آمده است: «به دلیل فقدان گفتمان متحد قدرت و احزاب کردستان و موضع‌گیری‌های سیاسی متفاوت و غیرواقعی حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان و موضع‌گیری‌های متفاوت در خصوص مسائل امنیت و... فرصتی برای حکومت فدرال عراق مهیا شد تا در مدتی بسیار کوتاه مناطق مورد مناقشه را تصاحب کند»^۱.

گفتمان سیاسی جنبش تغییر قانون‌مداری و اهداف ملی را به‌عنوان نقشه راه اصلی خود بر گزیده است. در برنامه سیاسی این حزب در خصوص اهداف ملی چنین آمده است: «جلوگیری از قوانین، پدیده‌ها و رفتارهایی که باعث تضعیف روح ملی می‌شوند، مانند تکروی در حکمرانی، منطقه‌گرایی، عشیره‌گرایی، تعرض به منابع ملی، پیشینه انقلابی، منطقه‌ای، آیینی، مذهبی، ثروتمند و فقیر، مذکر و مؤنث، هم‌وطنان داخلی و خارجی، نسل قدیم و جدید و...» (برنامه داخلی جنبش تغییر، ۲۰۱۳: ۴).

جنبش تغییر نیز با بی‌قراری‌های زیادی مواجه بوده است. برخی از تناقضات درونی برنامه سیاسی این حزب و فعالیت‌های سیاسی آن، تثبیت معنا به میانجی این گفتمان را با چالش مواجه کرده است؛ به همان میزان که این گفتمان بر استقلال سیاسی کردستان صحنه می‌گذارد، به همان میزان نیز موجودیت خویش را در قالب عراق فدرال تعریف می‌کند. از طرفی معتقد است که «آزادی ملت کردستان و حق تعیین سرنوشت همراه با تصمیم استقلال کردستان، هدفی والا و استراتژی جنبش تغییر است». در جایی دیگر چنین عنوان می‌دارد: «اقلیم کردستان باید همانند اقلیمی تحت حاکمیت عراق فدرال حقوق بین‌المللی را نقض نکند و از مرزهای حقوقی آن کشور تبعیت کند»^۲.

جنبش تغییر در نتیجه‌ی تلاش‌هایی که در راستای شکست ساختار احزاب کردستان بویژه اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات انجام داده شد توانست گفتمان خود را در میان مردم کردستان بسط داده و در اولین انتخابات مجلس کردستان از مجموع ۱۱۱ صندلی مجلس ۲۵ صندلی را به دست آورد و در سطح انجمن استان هم رتبه اول را کسب کند. اسطوره‌ی این گفتمان هم بر شخصیت انوشیروان

1 . <https://archive.gorran.net/Search.aspx?Wsha>

2 . <https://www.gorran.net/about.aspx?jimore=2>

مصطفی استوار بود؛ چرا که با مرگ وی خلاء سیاسی در این گفتمان پدیدار شد و هژمونی گفتمان زوال پیدا نمود و با انسداد معنایی روبرو گشت. در آخرین انتخابات سیاسی مجلس کردستان تعداد صندلی‌های این حزب به ۱۲ صندلی تقلیل یافت.

گفتمان سیاسی جنبش تغییر خطوط تضادش را با هر دو گفتمان مورد بحث ترسیم کرده و سیاست مبتنی بر عشیره و منافع حزبی را طرد نمود. استراتژی این گفتمان در خصوص دو گفتمان مذکور مبتنی بر نقد رویه‌های فسادآمیز آنان است. در واقع بیشترین نقدی که جنبش تغییر به دو حزب حاکم بر اقلیم کردستان وارد کرده است در حوزه‌های قبضه‌ی قدرت سیاسی و اقتصادی و فساد اقتصادی و مدیریتی است؛ بنابراین، معنایی که این گفتمان برمی‌سازد مبتنی بر آگاهی از روند تصمیم‌گیری سیاسی و همچنین اطلاع از برون‌داد نظام سیاسی است. بیشترین تأکید جنبش تغییر بر استقلال جامعه مدنی از منافع حزبی بوده و مشارکت مبتنی بر شفافیت را سرلوحه کار خویش قرار داده است.

۴- حزب اتحاد اسلامی کردستان: گفتمان ملی مذهبی

واکاوی گفتمان برآمده از حزب اتحاد اسلامی کردستان، مستلزم فرار دادن آن در بستری تاریخی است که اسلام سیاسی را به صحنه سیاسی کردستان وارد کرده است. عراق از جمله کشورهایی بود که از طریق ورود اخوان المسلمین در سال ۱۹۴۰ اسلام سیاسی در آن اشاعه یافت و پس از آن نیز به اقلیم کردستان رسید.

اسلام سیاسی در کردستان همچون بازیگری مهم و فعال در صحنه سیاسی و اجتماعی حضور دارد. درک اسلام سیاسی مانند پدیده‌ای سیاسی- اجتماعی از طریق پیوند آن با زندگی سیاسی کردستان به امری ضروری تبدیل شده است. هم‌اکنون در کردستان چند جنبش و حزب اسلامی در میدان سیاسی و دینی مشغول به فعالیت هستند، اگرچه تا حدود زیادی اهداف و معیارهایشان دارای اشتراکاتی است ولی هر یک از آن‌ها تفاوت موضوعی خود را دارند.

اکنون سه حزب اصلی اسلامی در کردستان وجود دارد: اتحاد اسلامی کردستان، جماعت اسلامی و جنبش اسلامی. حزب اتحاد اسلامی در سال ۱۹۹۴ موجودیت خود را به رهبری صلاح‌الدین محمد به‌الدین اعلام کرد. در زمان انتشار نخستین بیان‌نامه این حزب، اقلیم کردستان دچار جنگ داخلی بین جنبش اسلامی با اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان با اتحادیه میهنی کردستان بود.

گفتمان سیاسی این حزب را باید به‌مثابه پدیده‌ای نو در فعالیت سیاسی اقلیم کردستان نگریست. در برنامه سیاسی این حزب و در شرح بنیان‌های کلی چنین آمده است: «بنیان‌های اسلام، منبع فکری فعالیت اتحاد است» (سایت رسمی اتحاد اسلامی کردستان).

اسلام گره‌گاه اصلی این گفتمان را تشکیل می‌دهد. در برنامه سیاسی این حزب، اسلام میان‌ه‌رو مبنای اصلی است؛ اما در ادامه و در شرح استراتژی‌های اتحاد اسلامی، حرکت از فدرالیسم به استقلال و تأسیس دولت کردستان به عنوان اولین استراتژی حزب مشخص شده است که نشان از استراتژی سیاسی این گفتمان دارد؛ بنابراین، اسلام سیاسی در این گفتمان در خدمت زحمت‌کشان کرد قرار گرفته است تا مسیر استقلال سیاسی آنان را فراهم کند. در واقع در این گفتمان خوانشی ملی مذهبی از اسلام صورت گرفته است. در بخشی از اساسنامه این حزب آمده است: «کرد ملتی مستقل است، بخشی از امت اسلامی است و هویت مختص به خود را دارد. این حق را دارد که سرنوشت خود را مشخص کند و به صورت مستقل عضوی از جامعه‌ی جهانی باشد» (برنامه داخلی اتحاد اسلامی کردستان، ۲۰۱۶: ۱).

خوانشی این حزب از ملت کردستان، خوانشی اسلامی مبتنی بر حق تعیین سرنوشت است. در اینجا تفاوت گفتمان برآمده از این حزب در مفهوم ملت با سایر گفتمان‌ها مشخص می‌شود. اتحاد اسلامی با مفصل‌بندی دال‌هایی دینی مانند برادری و دال‌های ناسیونالیستی مانند ملت کرد، استقلال کردستان و دال‌های دموکراتیک و مدرن مانند آزادی، قانون‌مداری و برابری زن و مرد گفتمان سیاسی خود را متفاوت‌تر از گفتمان‌های جدید صحنه کردستان بنیاد نهاده و مفصل‌بندی کرده است؛ اما مفهومی که در گفتمان سیاسی این حزب مفصل‌بندی گردید، مفهوم اصلاحات بود. رئیس اتحاد اسلامی در دیداری با کادرهای حزب عنوان می‌دارد: امروز برای ما سرآغازیست برای انقلاب و اصلاحات، اصلاحاتی که در مورد آن سخن گفته‌ایم. اصلاح ما افسده‌الناس؛ با ابزار و وسایل خود (برنامه داخلی اتحاد اسلامی کردستان، ۲۰۱۶: ۳).

اتحاد اسلامی با مفصل‌بندی عناصر آیینی، ناسیونالیستی و دموکراتیک، گفتمان خود را صورت‌بندی نموده است و هویتی جدید را به میدان آورده است که اصلاحات را مجرای پی‌ریزی جامعه‌ای توسعه‌یافته و دادپرور با مرجعیت اسلامی می‌داند. اتحاد اسلامی در آغاز شروع به کار سیاسی خود، شیوه مدنی را پیش گرفته و متفاوت از گفتمان‌های سیاسی صحنه اقلیم کردستان عمل می‌کند. استراتژی اتحاد اسلامی مبتنی بر نیروی نظامی نیست و تنها حزب کردستان است که بدون پناه‌بردن به

نیروی نظامی فعالیت دارد (علی، ۲۰۰۴: ۲۵).

اتحاد اسلامی به دلیل تأکید بر برادری و برابری و صلح و آشتی در اساسنامه خود، به صورت نظری و اعلامی، خود را وارد دایره ضدیت و غیریت با سایر احزاب و گفتمان‌ها نکرده است. حزب اتحاد اسلامی اعلام کرده است که با صحنه سیاسی اسلامی و ملی‌گردستان همکاری و تعامل واقعی و شرعی انجام داده و خود را شریک مردم می‌داند. برای نمونه، هنگام درگیری بین جنبش تغییر و اتحادیه میهنی گُردستان، حزب اتحاد اسلامی اعلام کرد که این جنگ، جنگ کفر و ایمان نیست خود را به عنوان یک نیروی سیاسی مدنی و میانه‌رو معرفی کرد (علی، ۲۰۰۴: ۲۴)؛ اما به دلیل وضعیت آنتاگونیستی حاکم بر اقلیم گُردستان، عملاً این امکان فراهم نبوده است.

اتحاد اسلامی گُردستان با خوانشی نو از امر سیاسی در بستر گُردستان، مفصل‌بندی تازه‌ای از سیاست ارائه کرد. این گفتمان مشارکت سیاسی را در چارچوب امت اسلامی به امری اخلاقی در راستای تحقق عدالت دینی-اجتماعی بدل نموده و مفهوم حق تعیین سرنوشت ملت گُردستان را حق طبیعی ملت کرد به عنوان بخشی از امت اسلامی معنا کرده است و به خوانش مفاهیم سیاسی و امر سیاسی در چهارچوب دینی می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

در بیست و پنج سال گذشته، اقلیم گُردستان توسط دو حزب سیاسی اداره می‌شود: حزب دمکرات و اتحادیه میهنی. از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰، آنها درگیر رقابتی تلخ و گاه خشن بودند. پس از آن‌که اقلیم گُردستان از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ به میزانی از خودمختاری دست یافت، همسو با منافع حزبی، نوعی نظام دو اداره‌ای بر آن سایه افکنده است: حزب دمکرات گُردستان، کنترل استان‌های اربیل و دهوک و اتحادیه میهنی، اداره‌ی استان‌های سلیمانیه و حلبچه را تحت کنترل دارد. پس از انتخابات سراسری سال ۲۰۰۹، بازیگر دیگری عمدتاً در قالب «جنبش تغییر» وارد صحنه سیاسی شد. در سال‌های بعد، تعداد احزاب بیشتر شد که از آن جمله می‌توان به «ائتلاف برای دموکراسی و عدالت»، «نسل جدید» و چندین حزب اسلامی اشاره نمود. با نظر به بافت چند حزبی اقلیم کردستان عراق، پژوهش حاضر به مفصل‌بندی گفتمان سیاسی چهار حزب اصلی در اقلیم گُردستان عراق (حزب دموکرات گُردستان، اتحادیه میهنی، جنبش تغییر و اتحاد اسلامی) پرداخته است.

حزب دموکرات کردستان، قدیمی‌ترین حزب سیاسی در کردستان عراق است. گفتمان سیاسی این حزب با دال مرکزی «کردستان» اعلام موجودیت نمود و مفهوم وطن/کردستان در ادبیات سیاسی این حزب جایگاه برجسته‌ای دارد و دال‌های «تاریخ ملی کرد» و «ملا مصطفی بارزانی» را حول این دال مرکزی مفصل‌بندی نموده است. در ادبیات سیاسی حزب، حق تعیین سرنوشت که پیش‌تر با خودمختاری در چهارچوب عراق فدرال معنا می‌یافت، به استقلال تغییر یافت و بر این اساس همه-پرسی برای استقلال کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ برگزار گردید. مفصل‌بندی گفتمان سیاسی حزب دموکرات بر اسطوره‌ی بارزانی استوار است. مفصل‌بندی گفتمان حزب دموکرات تلاشی بی‌وقفه در جهت به سرانجام رساندن مبارزات ملا مصطفی بارزانی و تحقق رؤیای استقلال کردستان بوده است؛ بنابراین، گفتمان حزب دموکرات، گفتمان کردستان مستقل است و دیگری این گفتمان، حکومت مرکزی عراق و جریان‌ات و کشورهایی است که حق تعیین سرنوشت و استقلال کردستان را بر نمی‌تابند.

اما تحولاتی که در نتیجه‌ی مفصل‌بندی گفتمان سیاسی حزب دموکرات روی داد در نهایت این گفتمان را با بحران و بی‌قراری مواجه کرد. ناتوانی در تحقق استقلال سیاسی منجر به انسداد معنایی در این گفتمان گردید. قبل از سال ۱۹۹۰ نزاع گفتمانی بین حزب دموکرات و اتحادیه میهنی به عنوان حزب رقیب بر سر موضوعاتی چون سیستم حکمرانی، حق تعیین سرنوشت و کرکوک شکل گرفت و هژمونی حزب دموکرات با چالش مواجه گردید. اتحادیه میهنی در واکنش به خویشاوندگرایی حزب دموکرات و ذهنیت قبیله‌ای آن شکل گرفت. حزب دموکرات کردستان حول محور رهبران قبایل و اعضای خانواده بارزانی ساخته شد.

گفتمان سیاسی اتحادیه میهنی در تضاد با اسطوره‌ی گفتمان حزب دموکرات کردستان شکل گرفت. گذار از سیستم تک حزبی به سیستم چند حزبی مهم‌ترین استراتژی این گفتمان بود که صورت‌بندی جدیدی را بر نظم سیاسی اقلیم کردستان حاکم کرد. گفتمان اتحادیه میهنی، گفتمان کردستان دموکراتیک است. این گفتمان با خارج کردن دال‌هایی همچون دموکراسی، صلح، مبارزه انقلابی و... از حوزه گفتمان‌گونگی گفتمان استقلال کردستان، معنایی تازه بدان‌ها بخشید. حزب دموکرات دیگری داخلی این حزب است. با این وصف، انسداد معنایی گفتمان اتحادیه میهنی، در نهایت به ظهور گفتمان جنبش تغییر منجر شد.

جنبش تغییر، در سال ۲۰۰۹ توسط یکی از بنیان‌گذاران اتحادیه میهنی (نوشیروان مصطفی) شکل گرفت. گفتمان سیاسی جنبش تغییر در ابتدا ماهیتی سلبی داشت و بر نفی و انکار دو حزب اصلی

اقلیم کردستان استوار بود و معنایی که برمی‌سازد تماماً به نزاع با دو گفتمان رقیب برمی‌خیزد. خطوط تضاد گفتمان جنبش تغییر معطوف به مسائلی چون فساد اقتصادی و قبضه‌ی قدرت توسط حزب دموکرات می‌باشد. حزب دموکرات نیز نزاعی گفتمانی را با جنبش تغییر در پیش گرفته و سعی در بی‌قرار کردن این گفتمان دارد. دال مرکزی گفتمان جنبش تغییر، «قانون ملی» است که به حوزه گفتمان‌گونگی اتحادیه میهنی و حزب دموکرات کردستان منتقل شده بود. به‌میانجی مفهوم هم‌وطن خوانشی نو از وطن، حزب سیاسی و عدالت اجتماعی ارائه می‌دهد که مبتنی بر منافع حزبی نیست. در اینجا خطوط تضاد گفتمان‌ها مشخص است و مهم‌ترین امری که معانی این گفتمان‌ها را در تضاد با هم قرار می‌دهند اولویت منافع حزبی بر منافع عمومی است که جنبش تغییر نیز به مبارزه با آن برخاسته است؛ بنابراین این گفتمان را باید گفتمان کردستان قانون‌مند نامید.

اسلام گره‌گاه اصلی گفتمان حزب اتحاد اسلامی کردستان به‌شمار می‌آید. این گفتمان خوانشی ملی مذهبی از اسلام ارائه داده است. اتحاد اسلامی با مفصل‌بندی دال‌هایی دینی مانند برادری و دال‌های ناسیونالیستی مانند ملت‌گرد، استقلال کردستان و دال‌های دموکراتیک و مدرن مانند آزادی، قانون‌مداری و برابری زن و مرد گفتمان سیاسی خود را متفاوت‌تر از گفتمان‌های جدید صحنه کردستان مفصل‌بندی کرده است. گفتمان این حزب، گفتمان ملی-مذهبی است. اتحاد اسلامی به‌دلیل تأکید بر برادری و برابری و صلح و آشتی در اساسنامه، وارد دایره ضدیت و غیریت با سایر احزاب و گفتمان‌ها نشده است. خطوط تضاد گفتمان اتحاد اسلامی با حزب دموکرات حول ناکارآمدی سیستم اداری و آلوده شدن به فساد صورت‌بندی شده است.

حزب دموکرات هر یک از احزاب اتحادیه میهنی کردستان، جنبش تغییر و اتحاد اسلامی را با مفاهیمی همچون «عدم عقلانیت سیاسی» و «احزابی با مسائل شخصی» خطاب و سوژه‌های این گفتمان‌ها را استیضاح می‌نماید. هر چند در گفتمان اکثر احزاب درجاتی از ناسیونالیسم‌گردی دیده می‌شود اما بدلیل تضاد منافع حزبی، ناسیونالیسم‌گردی به حلقه اتصال احزاب سیاسی و ترمیم تخصصات سیاسی بدل نشده است.

یکی از محورهای مورد مناقشه‌ی احزاب سیاسی، شکل نظام سیاسی اقلیم کردستان عراق است که آن‌را با بحران سیستم مواجه ساخته است. اتحادیه میهنی، جنبش تغییر و احزاب اسلامی مدافع سیستم پارلمانی و حزب دموکرات خواهان تأسیس سیستم ریاستی است. ماهیت و ساختار حزب دموکرات مبتنی بر تمرکز رهبری در میان اعضای واحد خانواده، با یک رهبر قدرتمند و کاریزماتیک

در خاندان بارزانی است. اتحادیه میهنی، جنبش تغییر و احزاب اسلامی غیر قبیله‌ای/خانوادگی در نظر گرفته می‌شوند؛ با این حال، مانند حزب دموکرات، بنیانگذاران آنها تا به امروز قدرت را در دست دارند. به طرز متناقضی، آنها از یک سیستم سیاسی دفاع می‌کنند که تا حدودی با نحوه اداره احزاب-شان متفاوت است. برای نمونه، جلال طالبانی و نوشیروان مصطفی تا زمان مرگ در سال ۲۰۱۷، به ترتیب دبیرکل اتحادیه میهنی و جنبش تغییر بودند. نظام‌های حزبی در احزاب غیر قبیله‌ای/خانوادگی در اقلیم کردستان ظاهراً مبتنی بر ارزش‌های دموکراتیک است، اما به دلیل قدرتی که در دست رهبران کاریزماتیک است، اکثریت آنها از سطوح بالایی از دموکراسی داخلی برخوردار نیستند.

وقایع یک دهه‌ی اخیر نشان می‌دهد که هیچ کدام از این احزاب نتوانسته‌اند نظام معنایی خویش را مسلط کنند. نحوه رفتار رهبران سیاسی احزاب، جایگاه گروه‌های مستقل در اقلیم کردستان، دسترسی آزاد به اطلاعات شفاف و بسیاری عوامل دیگر در برساخت نظم سیاسی در اقلیم کردستان نقش داشته‌اند. علاوه بر این، فقدان دولت و ساختار سیاسی مدرن سبب شده است که نظم سیاسی بر نهاده‌مندی سیاسی استوار نباشد. از این‌رو، فعالیت حزبی و تکرر حزبی به میانجی‌گفتمان مسلط بر احزاب سیاسی بیش‌آن‌که مقوم دموکراسی و توسعه سیاسی باشد، بازنمای بی‌ثباتی سیاسی، خشونت سیاسی و چندپاره‌شدن اقلیم کردستان است. در اقلیم کردستان عراق، سیاست از سطح منافع عشیره/حزب/شخص فراتر نرفته است و عملاً رقابت و تکرر حزبی مستتر در گفتمان احزاب، مسیر توسعه سیاسی را در عمل چندان هموار ننموده و شکاف‌های سیاسی و اجتماعی را فعال کرده است.

منابع

الف - منابع فارسی

- جلایی‌پور، حمیدرضا، بارزان، حسن (۱۳۹۶)، «نقش احزاب در توسعه سیاسی (مطالعه موردی اقلیم کردستان- عراق)»، *آفاق علوم انسانی*، شماره ۹، صص ۷۱-۴۹.
- خالق‌پناه، کمال، حبیبی، فؤاد (۱۳۹۳)، *نظریه گفتمان به مثابه روش‌شناسی مطالعات فرهنگی، درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات فرهنگی*، حسین میرزایی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی.

- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸، صص ۱۸۰-۱۵۳.
- کسرابی، محمد سالار، پورشیرازی، علی (۱۳۸۸)، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، سیاست، دوره ۳۹، شماره ۳، صص ۳۶۰-۳۳۹.
- لکلائو، ارنستو، موفه، شانتال (۱۳۹۳)، *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی به سوی سیاست دموکراسی رادیکال*، ترجمه محمد رضایی، تهران: ثالث.
- موفه، شانتال (۱۳۹۱)، *درباره امر سیاسی*، ترجمه منصور انصاری، تهران: رخداد نو.
- موفه، شانتال (۱۳۹۲)، *بازگشت امر سیاسی*، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: رخداد نو.
- نیکفر، جاسب و دیگران (۱۳۹۷)، «تأثیر اختلافات داخلی در میان احزاب کرد بر ناکامی استقلال کردستان عراق»، *پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، دوره ۸، شماره ۴، صص ۱۰۹-۷۷.
- یورگنسن، ماریان، فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۵)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

ب- منابع انگلیسی

- Hassan Abdullah, Farhad & Hasan Hama, Hawre (2019), "The Nature of the Political System in the Kurdistan Region of Iraq", *Asian Journal of Comparative Politics*, 5(3), pp. 300-315.
- Marr P (2018), *The Modern History of Iraq*. USA: Routledge.
- Rubin M (2013), Gorrnan can determine Region's future, not PUK or KDP. 26 September. Available at: <http://www.michaelrubin.org/13822/gorrnan-puk-kdp> (accessed 7 April 2018).

- Rudaw (2017b), Kurdish political parties and parties: We reject the policy of de facto from Baghdad and will not abandon the results of the referendum. 22 October. Available at: <http://www.rudaw.net/arabic/kurdistan/221020179> (accessed 8 May 2018).
- Stansfield, Gareth R.V (2010), *Iraqi Kurdistan: Political Development and Emergent Democracy*, London: Routledge.

پ- منابع کُردی

- بارزانی، مسعود (۲۰۱۴)، مسعود بارزانی؛ پیش‌مه‌رگه‌یه‌ک له‌پینگه‌ی سه‌رۆکی هه‌رێمدا، دیوانی سه‌رۆکایتی هه‌رێمی کوردستان.
- به‌یان نامه‌و راگه‌یاندراره‌کانی یه‌کگرتوی ئیسلامی کوردستان (۱۹۹۴) تا (۱۹۹۶)، بلاو کراوه‌ی مه‌کته‌بی راگه‌یانندن.
- پرۆژهی سیاسی یه‌کگرتوی ئیسلامی کوردستان (۲۰۰۸).
- پرۆگرام پێره‌وی ناوخۆی یه‌کگرتوی ئیسلامی کوردستان (۲۰۱۶)، کۆنگره‌ی حه‌وته‌م.
- پرۆگرام و په‌یره‌وی ناوخۆی پارتی دیموکراتی کوردستان (۲۰۱۰)، کۆنگره‌ی سێزده‌هه‌م.
- په‌یره‌وی ناوخۆی یه‌کیتی نیشتمانی کوردستان (۱۹۹۲)، کۆنگره‌ی یه‌که‌م.
- ده‌ستوری ناوخۆی بزوتنه‌وه‌ی گۆپان (۲۰۱۳)، کۆنگره‌ی یه‌که‌م.
- علی، هادی (۲۰۰۴)، یه‌کگرتوی ئیسلامی کوردستان، ده‌ستکه‌وته‌کان، هه‌لۆئێسته‌کان، میژوو.
- محمود، نزار (۲۰۰۹)، «کامیان خه‌یاله‌ کوردستان سه‌ربه‌خۆین ... یان عێراق بیخ به‌ یابان؟»، گۆفاری هابویر، ژماره‌ ۳۱ نیشان - مایس، صص ۳۵-۳۰.

ج - سایت

- https://www.kdp.info/uploads/2012/KDP_Program_Kurdish.pdf
- http://m11puk.blogspot.com/2012/01/blog-post_3472.html
- <https://www.pukmedia.com/about?section=17>
- <https://gorran.net/about.aspx?jimare=1>
- <https://www.kurdiu.org/ku>
- <https://www.sharpress.net/all-detail.aspx?Jimare=62581>
- <https://www.sharpress.net/all-detail.aspx?Jimare=196406>
- <https://www.gorran.net/about.aspx?jimare=2>